

مطالعه موردی

رحمت‌الله صدیق سروستانی

«مطالعه موردی»^۱ اصطلاحاً از مطالعات و پژوهش‌های «حقوقی» گرفته شده است. در مطالعات حقوقی «سورد» عبارت است از واقعه یا مجموعه‌ای از وقایع مشتمل بر امور قانونی (حقوقی) که از مطالعه آن می‌توان به اصول نظری و عملی قانون پی برد. در مددکاری یا اداره امور اجتماعی نیز، یک «سورد» وقتی موضوع مطالعه قرار می‌گیرد که توصیف کامل و جامعی از «شخص مراجع»، «خانواده» و یا «وضع اداری» بنحوی که کلیه «سواردها» مؤثر بر موضوع یسار موضوعات مد نظر مشخص شود، لازم باشد. در جامعه‌شناسی، «مطالعه موردی» مطالعه‌ای جامع است از موضوع تحت بررسی، بترتیبی که طی آزمایشی تفصیلی و عمیق از یک «سورد»، اطلاعات کافی از مجموعه‌ای که «سورد» مذکور جزئی از آن است، به دست آید.

«مطالعه موردی» تفحصی عمیق است در خصوص یک پدیده اجتماعی. در این روش، محقق موضوع را به دقت مطالعه می‌نماید و رکوردهای تفصیلی رویدادها و جریانات مهم را جمع‌آوری می‌کند و سپس به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته و نتایج آن را ارائه می‌دهد. همیشه امید محققین، این بوده است که بتوانند از چنان نتایجی در جهت شناخت «سواردها» مشابه استفاده نمایند.

اگرچه در روشی که «بررسی»^۲ نام دارد، بخصوص وقتی که تعداد پاسخگویان زیاد باشد، اطلاعات انبوهی جمع‌آوری می‌شود، اما به هر حال این روش از آنچنان عمق مطلوبی برخوردار نیست. در یک «بررسی»، ممکن است با هر یک از پاسخگویان، حتی یک ساعت سؤال و جواب

کرده باشیم. ولی سؤال اصلی این جاست که در ظرف یک ساعت، واقعاً چقدر می‌توان راجع به هرکسی اطلاع کسب کرد؟

بعضی از جامعه‌شناسان ترجیح می‌دهند وقت بیشتری را برای تعداد کمتری از افراد صرف نمایند تا اطلاعات دقیقتری بدست آورند و هر فردی را بهتر و بیشتر بشناسند. اصولاً مطالعه موردی «وقتی مطرح می‌شود که محقق بخواهد شناخت عمیقتر و مفصلتری از موضوع به دست آورد. بعضی اوقات جامعه‌شناسان، کل یک اجتماع کوچک را برای پنج سال، یک دسته از جوانان را برای سه سال و یا یک خانواده مافیا را برای دو سال مطالعه کرده‌اند. تردیدی نیست، چنین اشخاصی که یک «مورد» خاص یا چندین «مورد» - «اجتماع کوچک»، «گنگ»^۳، «خانواده»^۴ را بدین صورت عمیق و تفصیلی مطالعه نموده‌اند، به شناخت بیشتر و بهتری نسبت به موضوع دست یافته‌اند. محققانی که روش «مطالعه موردی» را بکار می‌بندد، به بینش و بصیرتی دست خواهد یافت که کمتر محقق دیگری در طول سالها «بررسی» و یا «آزمایش»^۵ به آن خواهد رسید.

«مطالعه موردی» عبارت است از ثبت کامل و مفصل ویژگیهای یک رویداد، گروه یا فراگرد اجتماعی^۶. «مطالعه موردی» غالباً «مطالعه‌ای میدانی»^۷ است و معمولترین شکل آن در حال حاضر، «مشاهده همراه یا مشارکت»^۸ است. بعضی از «مطالعات موردی» با رویدادهایی که قبلاً وقوع یافته (اغلب رویدادهای غیر معمول و موقتی نظیر شورش‌های خیابانی) نیز سروکار دارد. محقق جامعه‌شناس، این رویدادها را از طریق انجام مصاحبه‌های گسترده، با افراد درگیر و یا مراجعه به سایر منابع اطلاعاتی (پلیس و آرشیو مطبوعات) بازسازی می‌نماید. در این مقاله، تاکید اصلی را بر «مطالعات موردی مبتنی بر مشاهده و عمدتاً از نوع مشاهده همراه با مشارکت، که فعلاً متداولترین نوع «مطالعه موردی» است، گذاشته‌ایم.

در بسیاری از تحقیقات جامعه‌شناختی، از روش «مطالعه موردی» مشاهده‌ای استفاده شده و آثار بسیار ارزنده‌ای چون «ولگردان خیابانی اثر ویلیام وایت»^۹، «تیمارستان اثر ارونیگ گافن»^{۱۰} و «گذر تلی اثر الیوت لیه‌یو»^{۱۱}، را به بار آورده است. شاید جمع‌آوری چنان اطلاعات عمیق، دست اول، تازه و تکان دهنده‌ای که در این آثار بدست آمده، از هیچ روش دیگری ساخته نباشد.

«مطالعه موردی» مشاهده‌ای، معمولاً بینش غنیتری به انسان می‌دهد و چشم‌انداز وسیعتری را می‌نمایاند و محصول آن نیز بیشتر مورد توجه خوانندگان معمولی قرار می‌گیرد. از

آنجایی که شخص محقق با به کارگرفتن این روش، در پی مطالعه عمیق و مفصل موضوع تحقیق می باشد، عنداللزوم می تواند با انجام مصاحبه و «بررسی» و استفاده از داده های ثبت شده و هر نوع وسیله و منبع مربوط موجود دیگر، مشاهدات و استنباطات خود را در مورد فرد، گروه، اجتماع و یا واقعه خاصی (بطور کلی «واحد تحقیق») تکمیل نموده و کلیه اطلاعات ممکن را به دست آورد. دقت عمیق و کامل در اطراف ویژگیهای یک «مورد» معین، موجب «تعمیم»^{۱۱} موقتی نتایج و فرضیاتی می شود که می توان آن را در انواع مطالعات دیگر به محک آزمایش گذاشت. پی بردن به اینکه چه نوع الگوهای اجتماعی، الگوی نوعی گروهی معین است، به ترکیبی از «عقل سلیم»، هوشیاری و دقت، اشراف کافی به مسائل، تجربه تحقیق و اندکی بخت و اقبال نیاز دارد. همچنین محقق برای کسب پذیرش برای ورود به داخل گروه، پیدا کردن منابع اطلاعاتی و خبرگان بی نام و نشان محلی و جلب اعتماد و اطمینان افراد مورد مطالعه، به شدت به مهارت های شخصی، تجربه مطالعاتی و توانایی ایجاد ارتباط متقابل، نیازمند است که بدون آن، «مطالعه موردی» مشاهده ای موفقیت چندانی نخواهد داشت.

«مطالعه موردی»، همچنین می تواند به عنوان روشی دقیق و مفید برای آزمایش بعضی انواع فرضیه ها نیز به کارگرفته شود. در عین حال، طریقی است برای تنظیم و سازماندهی داده ها اجتماعی به نحوی که ویژگیهای انحصاری موضوع مورد تحقیق، حفظ شود. به بیان دیگر «مطالعه موردی» روشی است که هر «واحد اجتماعی» را به عنوان یک «کل» تلقی می نماید. این «واحد اجتماعی» ممکن است، یک شخص، یک خانواده یا یک گروه اجتماعی، مجموعه ای از مناسبات اجتماعی (نظیر بحرانهای فامیلی، دوستیها، تهاجمات قومی همسایگان و...) یا حتی کل یک فرهنگ باشد.

معمولاً زندگی در زندانها، تیمارستانها و اردوگاههای اسیران خصوصیات مشابهی دارد. افراد در این گونه مؤسسات، تحت شرایط خاص سختی بسر می برند و خواسته های شخصی خود را با اجبار فراموش کرده، هویت فردی خود را در میان تعداد زیادی از همسلولیها و همنشینیان از دست می دهند. در چنین جاهایی، دنیا به دو بخش تقسیم شده است، بخش زندانی و بخش زندانبان، جهان بیمار روانی تحت کنترل و جهان محافظ سالم، قسمت فرمانده آزاد و قسمت فرمانبر اسیر. یعنی دنیای کسانی که با شماره و برچسب مشخص می شوند و دنیای کسانی که با ستاره و درجه متمایز می گردند. فرض کنید، محققی بخواهد زندگی در چنین سازمانهایی را مطالعه نماید. یا بخواهد بداند که با افراد در چنین جاهایی، چطور رفتار می شود و افراد در این جاها چگونه زندگی می کنند. برای دستیابی به چنین هدفی، روش «بررسی نمونه ای»^{۱۲} بسیار سطحی و روش «آزمایش» بسیار محدود کننده به نظر می آید. اما «مطالعه موردی» در فضایی وسیعتر از یک آزمایشگاه محدود انجام می گیرد. هدف اصلی «آزمایش» غالباً تست کردن -

«فرضیه‌ای مشخص»^{۱۲} بر روی یک عنوان محدود است. حال آنکه، «مطالعه موردی» به کاوش در خصوص عناوین متنوعتر و وسیعتری می‌پردازد. در واقع امر «مطالعه موردی» مشاهده تفصیلی و عمیقی است از کل طیف یک رفتار گروهی.

در این گونه موارد، روش «بررسی» نیز در مقایسه با روش «مطالعه موردی» از محدودیتها بیشتری برخوردار است. مورد ساده‌ای را که ویلیام گودو پاول هات^{۱۴} از یک نظرخواهی و سنجش افکار عمومی ترسیم کرده‌اند، در نظر بگیرید. فرض کنید چندین سؤال در خصوص - نگرش مردم نسبت به «جنگ» مطرح شده باشد. برای کمک به تجزیه و تحلیل دقیقتر و بهتر عناصر، سؤالات تکمیلی، نظیر سؤالاتی در خصوص سن، جنس، رتبه‌بندی اقتصادی، نوع سکونت شهری یا روستایی و موقعیت شغلی نیز ممکن است پرسیده شود. پاسخهای هر سؤال جهت انطباق با وضعیتهای مختلف و مقایسه‌ها و مقابله‌های مورد نیاز، دسته‌بندی می‌شود. مثلاً پاسخهای سؤال مربوط به «رتبه‌بندی اقتصادی» به دسته‌های: «الف»، «ب»، «ج» و «د» تقسیم‌بندی می‌گردد، احتمالاً پنج گروه «سنی» و دو گروه مربوط به «جنسیت» هم ترتیب داده می‌شود. بنابراین بسا دسته‌بندی و کدگذاری داده‌ها، همه چیز برای پر کردن جلد اول و احیاناً پانچ کردن کارتهای کامپیوتری و یک تجزیه و تحلیل آماری ریاضی، آماده شده است.

اما، نکته مهم این است که از این نقطه به بعد، «فرد واحد» یعنی «شخص» مورد خطاب تحقیق ما از تجزیه و تحلیل حذف و ناپدید می‌شود (بهرتر است بگوییم در آن حل می‌شود) و بجای او، تنها به مقایسه ویژگیهای معینی می‌پردازیم. یعنی، این جا دیگر ممکن است مثلاً از طریق «جدولبندی تقاطعی»^{۱۵} معلوم شود که: جوانترها نظر مساعدتری نسبت به «جنگ» دارند تا مسن‌ترها، یا زنها بیشتر مخالف «جنگ» اند تا مردها یا حاصل مقایسه نظریات و نگرشهای افراد مختلف در رتبه‌بندیهای اقتصادی چیست. جواب به هر یک از این سؤالات از طریق تفکیک کلیه کارتها یا جداول در مورد اولین گروه ویژگیها (مثلاً سن در مقابل جوان) به دست آمده و پس از آن پاسخهای سؤالات مربوط به «جنگ» در جدولبندی تقاطعی تنظیم می‌شود. به عنوان مثال، کارتها را می‌توان طوری تفکیک کرد که به لحاظ سنی گروهی ۶۵ ساله و بالاتر و گروهی زیر ۲۰ سال و بقیه افراد هم در گروه سوم جای گیرند (عنداللزوم می‌شود هر نوع دسته‌بندی مورد پسند دیگری را نیز انجام داد). سپس می‌توان برای هر کدام از این گروهها، پاسخهای سؤالات مربوط به «جنگ» را تقاطع داد.

توجه دارید که این تنها «ویژگیها» هستند که مستقیماً در جدولبندی تقاطعی شرکت دارند و کلیه خصوصیتهاى دیگر که روی کارت‌ها ثبت شده، نادیده گرفته شده است.

آنچه در این مثال سعی شد توضیح داده شود، محدودیت سؤالات نیست. چون حتی گسترده‌ترین تحقیق نیز فقط لایه نازکی از زندگی پاسخگورا نمایش می‌دهد بلکه جلب توجه به این نکته مهم است که در بیشتر تجزیه و تحلیلهاى ما، توزیع یک ویژگی با توزیع ویژگی

دیگر، در جدولبندی تقاطعی، مقابل یکدیگر قرار گرفته است. این موضوع، حتی در مورد جدولبندی تقاطعی گسترده‌تر و یا برای «همبستگیها»^{۱۶} نیز صادق است. در این گونه تجزیه و تحلیلها، فردی که نمایشگر یک «کلیت»^{۱۷} از ویژگیها باشد، تصویر نمی‌شود و صد البته به دست دادن چنین تصویر ناقصی از انسانها، اساساً نادرست و کلیشه‌ای است.

حال باید دید چگونه «مطالعه موردی» می‌تواند «کلیت» موارد را حفظ نماید؟ یکی از طرقی که بوسیله آن «واحد اجتماعی» در «کلیت» خود مطالعه می‌شود، جمع‌آوری داده‌های وسیع در مورد آن است (خواه موضوع مورد مطالعه، مجموعه‌ای از مناسبات متقابل اجتماعی یا یک گروه و یا یک شخص باشد) «شخص» در جریان نظرخواهی که قبلاً عنوان گردید، نه تنها به وسیله تبدیل شدن به مجموعه‌ای از ویژگیهایی که جدا جدا در جدول قرار می‌گیرد، معدوم شده، بلکه از اول نیز، به دلیل محدودیت داده‌های مربوط به او و عدم ارتباط دادن دقیق و صحیح و کافی آنها به هم نمی‌توانسته ابراز وجود کند.

اگرچه صرف کمیت داده‌ها مدنظر نیست، اما به هر حال چنانچه مقدار سعتناهی از آن، در خصوص وجوه مختلف زندگی فرد در دسترس باشد، بخت و اقبال بس بزرگتری جهت به دست آوردن الگوی زندگی وی، وجود خواهد داشت.

«مطالعه موردی» همچنین با استفاده از اطلاعات زمینه‌های مطالعاتی دیگر در (نظیر داده‌های اقتصادی، سیاسی، روانی و حتی بیولوژیکی) تعریفی روشنتر از فرد ارائه داده و او را در شبکه کلی مناسباتش ملاحظه می‌نماید.

شیوه دیگر در حفظ «کلیت» واحد اجتماعی، توسعه «تیپ‌شناسی»ها^{۱۸} و شاخصهاست، به طریقی که واقعاً بتوان ویژگی‌های مختلف را در توصیف آن واحد به کار گرفت. در «پرسی»ها نیز جدولبندی‌های تقاطعی در قالب جنس، سن، سواد و رتبه‌بندی اجتماعی-اقتصادی، کسانی را تصویر می‌کنند که مثلاً: زن، ۲۰ یا ۲۵ ساله، بی‌سواد و فقیر هستند. مشابه همین کار را می‌توان در «مطالعه موردی» انجام داد. البته در این جا به دلیل گستردگی و ابعاد مختلف داده انتخاب تیپ یا طبقه‌ای که «مورد» معین تحقیق در آن قرار خواهد گرفت به مراتب سهلتر خواهد بود. تذکر این نکته نیز ضروری است که در «مطالعات موردی» غالباً «تیپهای طبیعی» مطرح اند یعنی تیپهایی که قبلاً بر اساس خصوصیات فرهنگی تفکیک شده‌اند (نظیر حزب‌اللهی، منافق، روحانی، معتاد یا پانک) و به‌طور معمول در مراحل اولیه مطالعه مشخص می‌شوند.

علاوه بر مطالب ذکر شده، «مطالعه موردی» به منظور حفظ «کلیت» موضوع تحقیق بر «جریان»^{۱۹} فعل و انفعالات تناوب زمانی نیز تاکید می‌نماید. هر نوع جدولبندی تقاطعی الزاماً یک تحلیل «ایستا» است. در چنین جداولی «جریان» وجود ندارد و محقق با ویژگی‌هایی که روی کارت‌ها پانچ شده و ارتباطشان با یکدیگر به هیچ وجه ثبت نگردیده، مواجه است. اما

در «مطالعه موردی» اهتمام در نگهداری ارتباط بین ویژگیها، چه در مرحله جمع آوری و یا به هنگام تحلیل داده‌ها، نشانگر تاکید این روش بر مطالعه تغییراتی است که در طول «زمان» و طی «جریان» خاصی، صورت می‌گیرد، «طول» این زمان ممکن است کوتاه باشد. مثل عمسبر گروههای کوچکی که در طول ایام تبلیغات انتخاباتی بوجود می‌آید، یا طولانی، مثل مدت زندگی گروهی از مسلمانان فلسطینی در اردوگاه صبرا. به هر حال، ملاحظه اصلی این است که ویژگیهای مربوط، همچنانکه در کنشهای متقابل مطرح‌اند مستمراً ثبت شوند.

بنابراین، «مطالعه موردی» مشاهده‌ای، زمانی بر سایر روش‌ها رجحان می‌یابد که کسی بخواهد رفتاری را که در صحنه یا وضعیت معینی انجام می‌شود به‌طور مفصل مطالعه نماید. «مطالعه موردی» مشاهده‌ای همچنین برای تحقیق در باب رفتار خصوصی افراد که ممکن است در «بررسی» به آن اعتراف نمایند، روش مؤثرتر و مفیدتری است. مثلاً بعید به نظر می‌آید که افسران پلیس به سوالات پرسشنامه‌ای که تفصیل پاره‌ای بازجوییهای غیرقانونی از دستگیرشدگان را از آنها می‌خواهد، پاسخ دهند. البته «مطالعه موردی» مشاهده‌ای، بهیچ روی به فعالیت‌های پنهانی محدود نیست و هرگاه محققى واقعاً طالب به‌دست آوردن تصویری عمیق و جامع از رفتار (شامل «رفتار غیر کلاسی»^{۲۰} در وضعیتی معین، در مدت زمانی طولانی) باشد، استفاده از این روش، کار بسیار مناسبتری است.

اخیراً مطالعه موردی، مشاهده‌ای، کاملاً مورد توجه واقع شده و در متون مختلف جامعه‌شناختی جایی برای خود باز کرده است. بعضی از کتب متعددی که به تازگی (مستقیماً یا غیر مستقیم) در باب ویژگیها، استیازات و محدودیتهای این روش، مطالبی به‌چاپ رسانده عبارتست از:

- «در میدان: مقدمه‌ای بر تحقیق میدانی (۱۹۸۴)» - تألیف رابرت برگس (۲۱)
 «تحقیق میدانی: منبع و راهنمای تحقیق میدانی (۱۹۸۲)» - تألیف رابرت برگس (۲۲)
 «تحقیق قوم‌نگاری...» (۱۹۸۴) - تألیف آز ان (۲۳)
 «تحقیق میدانی معاصر...» (۱۹۸۳) - تألیف رابرت اسرسن (۲۴)
 «قوم‌نگاری...» (۱۹۸۳) - تألیف هامرسل و اتکینسون (۲۵)
 «تجزیه و تحلیل صحنه‌های اجتماعی» (۱۹۸۴) - تألیف جان ولین لافلند (۲۶)
 «مقیاسهای غیربازتابی در علوم اجتماعی» (۱۹۸۱) - تألیف یوجین وب (۲۷)
 «راهنمایی تجربی تحقیق میدانی» (۱۹۸۴) - تألیف ویلیام وایت (۲۸)

نوع «مشاهده» و میزان «مشارکت» محقق در «مطالعه موردی»

بعضی محققان یا خود عضوی از گروه مورد مطالعه‌اند و یا به‌طریقی به‌عضویت در آن گروه در می‌آیند و کاملاً در زندگی افراد مورد مطالعه، مشارکت می‌نمایند. بعضی دیگر هم

کار خود را به عنوان یک «خارجی»^{۲۹} و «مشاهد گر صرف»^{۳۰} انجام می دهند. بین این دو قطب کاملاً متفاوت، حالات بیانی مختلفی با درجات متفاوتی از مشاهده همراه با مشارکت وجود دارد. انتخاب درجه و میزان مشارکت به هنگام مشاهده افراد در وضعیتهای مورد تحقیق، فرمول چندان مشخصی ندارد و امری است که کاملاً به تشخیص پژوهشگران بستگی دارد.

در مطالعات «آزمایشگاهی» و «بررسی»، محقق با همه افراد موضوع تحقیق، به طور مشابه و مساوی و به عنوان عناصری «بی نام»^{۳۱} برخورد می کند و عناصر مورد «آزمایش» در آزمایشگاه و پاسخگویان بی نام در روش «بررسی» به دلیل آگاهی از موضوع مطالعه در «قلب و جعل» واقعیتها دست بازتری دارند. اما مشاهده گر موردی برعکس به افراد مورد مطالعه کاملاً نزدیک شده و نتیجتاً هیچ دو نفری را یکسان نپنداشته و با هر کس رفتاری (احتمالاً) متفاوت خواهد داشت. به علاوه، وقتی مشاهده، همراه با مشارکت باشد، کنشهای متقابل متعددی نیز میان محقق و مطالعه شوندگان انجام خواهد گرفت و کنشهای افراد، در «صحنه های طبیعی»^{۳۲} مورد مشاهده و مطالعه قرار می گیرد. این افراد در شرایط طبیعی همیشگی خود، رفتاری نمایند بخصوص که مشاهده گر مشارکت کننده وقت زیادتری صرف نموده و رفتار افراد را برای هفته ها و ماهها، مورد مطالعه دقیق و مفصل قرار می دهد.

آشکار است که اشخاص مورد مشاهده، در چنین وضعیتی نخواهند توانست (بخصوص برای مدتی طولانی و در صحنه های مختلف بادوستان، اقوام و یا همکاران خود) رفتار غیر طبیعی از خود نشان داد؛ و به اصطلاح ظاهر سازی نمایند. البته محقق مشاهده گر نیز باید کاملاً مواظب باشد تا طول مدت مشاهده، موجب لطمه زدن به «واقع گرایی»^{۳۳} کار او نشده و صمیمیت های ایجاد شده بین او و افراد مورد مطالعه، باعث قلب حقایق نگردد.

از سوی دیگر، محقق باید بقدری آگاه باشد که از بیم بروز چنین موقعیتی، آنچه خود را از افراد مورد مطالعه دور نگه ندارد که نتواند «کلیت» موضوع تحقیق را بشناسد و با تبدیل آدمیان «به قطعات، عناصر و متغیرها» به اصل مطالعه و «کلیت» موضوع، آسیب وارد آورد. اصولاً خط مشی محقق که دست به «مطالعه موردی» مشاهده ای زده است، ثبت همه چیز است، نه جدا کردن متغیرها. البته انجام چنین کاری به صورت کامل، شاید هیچ گاه امکان پذیر نباشد، ولی محقق به هر حال با برداشتن یادداشتهای منصل، می تواند صورت کاملی از وقایع را ثبت و جمع نماید.

ویژگی یادداشت برداری در «مطالعه موردی»

تا کنون از یادداشتهایی که مشاهده گر بهنگام مشاهده یا مشاهده گر مشارکت کننده، در خلوت بررسی دارد صحبت شده است. چنین یادداشتهایی مسلماً باید شامل توصیفی عمیق از

صحنه‌ها، اشخاص، زمانهای مختلف و کنشهای متقابل افراد مطالعه شونده و احياناً ساير نکات مربوط به «سورد» خاص موضوع تحقيق باشد. البته، همه يادداشتهاي مذکور لزوماً در تجزيه و تحليل به کارگرفته نخواهد شد، اما به دو دليل عمده ثبت جزئیات همه آنها ضروری است: اولاً ثبت هرچه بیشتر اطلاعات راجع به رویدادها، عنداللزوم داده‌های مفیدتری را در اختیار محقق خواهد گذاشت، ثانیاً حتی يادداشت تفصیل رویدادهایی که گاهی هم فاسر بوط به نظر برسد، ممکن است وقایعی کاملاً مربوط را برای محقق تداعی نماید.

يادداشتهايی که محقق در «مطالعه موردی» مشاهده‌ای برداشته باشد با پاسخهای سؤالات متحدالشکل ساير روشهای تحقيق تفاوت دارد. پاسخهايی که مشاهده‌گر در جواب سؤالات خود دریافت می‌کند، غالباً مفصلتر و تشریحیتر و نسبت به وضعیتهای متعدد، متفاوت است. و براحتی در دسته‌های ساده‌گذاری شد، جای نمی‌گیرد. نتیجتاً، استفاده از اعداد در چنین داده‌هایی بمراتب کمتر و در حدی ناچیز است، و تجزيه و تحليل نیز غیر عددی است. چون تجزيه و تحليل آماری صورت نمی‌گیرد، صحبتی هم از اعداد و ارقام دقیق نمی‌شود. یعنی در یک «مطالعه موردی مشاهده‌ای» غالباً مشاهده ۰ یا ۱ یا ۰ یا ۱ یا ۰ یا ۱ «سورد» چندان تفاوتی در اصل قضیه ایجاد نمی‌کند. حال آنکه در یک «بررسی» ذکر رقم دقیق پرسشنامه‌ها یا مصاحبه‌ها ضروری است. البته باید متوجه این نکته نیز بود که «مطالعه موردی» مشاهده‌ای الزاماً و همیشه یک تحقيق کاملاً «کیفی»^{۲۹} نیست و می‌تواند تا حدودی نیز «کمی»^{۳۰} باشد.

امتیازات و محدودیتهای «مطالعه موردی»

الف- «پذیرش»^{۳۶} و «محیط طبیعی»^{۳۷}

بسیاری از «مطالعات موردی» مشاهده‌ای در محیطی طبیعی صورت می‌گیرد. چنین مطالعاتی ممکن است در یک اجتماع سری، یک اداره دولتی، یا یک تیمارستان و یک اردوگاه و امثال آن انجام شود. بسیاری اوقات، محقق برای دریافت اجازه ورود و اخذ مجوز برای مطالعه با مشکل مواجه خواهد شد. از سوی دیگر، برنیانگیختن سوء ظن مطالعه شونده‌گان نیز کارچندان ساده‌ای نیست. تأمین و حفظ صمیمیت با افراد گروه مورد تحقيق، گاهی محقق را از يادداشت برداری بموقع و به کارگرفتن ساير ابزار کمکی در مطالعه، محروم می‌سازد. ناگفته پیداست که تکیه مشاهده‌گر تنها بر حافظه خود، چقدر می‌تواند به اصل موضوع جمع‌آوری دقیق اطلاعات آسیب وارد کند.

اما چنانچه محقق بتواند مجوز ورود به گروه را اخذ و صمیمیت افراد را نسبت به خود

جلب نماید، آنگاه خواهد توانست در محیطی نسبتاً طبیعی، دنیای افراد مزبور را از همان دیدی که خرد آنها آن را می بینند، ببینند و به کسب معرفتی درونی عمیق نسبت به گروه دست یابد. به بیان دیگر، رابطه متقابل و مبتنی بر صمیمیتی که محقق خواهد توانست در طول زمان، بین خود و افراد مورد مطالعه ایجاد نماید، موجب می شود تا وی بتواند رفتار افراد را در حالت طبیعی خود به طور عمقی و مفصل مشاهده نماید. در عین حال نباید از تأثیر سوء چنین صمیمیتی بر «واقع گرایی» تحقیق غافل بود. یعنی مشاهده گر صمیمی در این حالات، ممکن است متوجه عناصر معینی که یک مشاهده گر معمولی آن را در خواهد یافت، نشود. در این گونه وضعیت ها، همیشه خطر یکی شدن (حل شدن) دیدگاه های محقق با دیدگاه های افراد مورد تحقیق نیز وجود دارد. محقق مشاهده گر، ممکن است آگاهانه یا ناخودآگاه به حمایت از گروه مورد مطالعه پردازد و برای جبران این نقیصه، محقق باید سعی کند، منابع اطلاعاتی خود را هر چه بیشتر و متنوعتر و متفاوتتر سازد و پاسخها و اطلاعات بدست آمده را مکرراً با هم مقابله و مقایسه نماید.

نکته مهمی که حتماً باید تذکر داده شود این است که هم «آزمایش» (باتکیه زیادی که بر محیط مصنوعی آزمایشگاه دارد) و هم «بررسی» (با تاکیدش بر پاسخ های کلامی به مجموعه محدودی از سؤالات)، آشکارا داده های تحقیق را «جهت دار»^{۲۸} می کند. و می توان گفت که در «بررسی» و «آزمایش» در واقع، داده ها بیشتر محصول «روش» تحقیق اند، اما در «مطالعه موردی» مشاهده ای، داده ها بیشتر مبین واقعیت های تجربی موجوداند. به هر حال حضور مشاهده گر و «خطاهای»^{۲۹} بشری که در مشاهدات گزارشهای او از داده ها روی می دهد، بنوعی محصول کار را حتی در این روش، جهت دار می سازد. از سوی دیگر، چون این روش بشدت بر مهارتها و تفسیرهای شخصی محقق مشاهده گر متکی است، باید متوجه بود که ممکن است نتایج آن بوسیله سوگیریهای (آگاهانه یا ناخودآگاه) وی تفسیر شود.

همچنین، از آنجایی که محیط این گونه تحقیقات غالباً طبیعی است، محقق کنترل چندانی بر متغیرهای خارجی که ممکن است بر داده ها مؤثر باشند، ندارد و درست به همین دلیل، استفاده از روش «مطالعه موردی» مشاهده ای به نظم و ترتیبی استثنایی و خود کار نیازمند است.

ب- «تجزیه و تحلیل طولی»^{۳۰} و «کمی کردن»^{۳۱} داده ها

در «مطالعه موردی» مشاهده ای، محقق می تواند تحقیق خود را در مدت زمانی پس طولانیتر از زمان «آزمایش» یا «بررسی» و در محیطی طبیعی انجام دهد. محقق غالباً می تواند، آنقدر مطالعه خود را ادامه دهد که شیوه رفتار افراد را مشاهده کرده و آن را بفهمد و فرق بین رفتار تصادفی و رفتاری را نیز که از روی عادت انجام می شود، تشخیص دهد. بنابراین، شاید ادعای این نکته بی اساس نباشد که در «مطالعه موردی» علاوه بر انعطاف بیشتری که وجود

دارد، اطلاعات و یافته‌های محقق نیز از عمق و تفصیل بیشتری برخوردار است و محقق در عین حال در تبیین و تفسیر داده‌ها و ایجاد ارتباط بین ویژگی‌های متفاوت «مورد» مطالعه، دست بازتری دارد.

از سوی دیگر، در اینگونه مطالعات، داده‌ها اغلب کیفی هستند. یعنی مثلاً محقق در پایان کار خود، می‌تواند یادداشتهای مفصلی را نشان دهد که رفتار هر فرد با اعضا یک گروه افغانی، چگونه بوده است. حال آنکه، در «بررسی» و «آزمایش» غالباً اندازه‌های کمی بکار می‌رود و محقق پیشاپیش ویژگی معینی (مثلاً تعصب یا تبعیض) را نشان کرده و مقیاس اندازه‌گیری آن را نیز می‌سازد و نمره هر کس را بر روی آن مشخص می‌نماید. اما ابزار کار مشاهده‌گر، بیشتر نظاره صحنه‌ها و رویدادها و ثبت آنها، بهمان صورت واقعی است. البته می‌توان داده‌های مذکور را نیز تا حدودی کمی کرد. ولی چنین کاری غالباً از حد تعیین «فراوانیها»^{۴۲} یا محاسبه «درصدها»^{۴۳} پیشتر نمی‌رود. در واقع باید گفت، کمی کردن داده‌های یک «مطالعه موردی» مشاهده‌ای از کدگذاری پاسخهای مربوط به «سوالات باز»^{۴۴} در یک «بررسی» بمراتب دشوارتر است.

ج- حفظ «بی‌نامی»^{۴۵} افراد و مشاهده «رفتار غیر کلامی»

«مطالعه موردی» مشاهده‌ای، احتمالاً مطلوبترین روش تحقیق برای مطالعه «رفتارهای غیر کلامی» انسانهاست. اما در پاره‌ای موارد، امکان استفاده از تکنیک مشاهده و انجام تحقیقی مفصل و عمیق از این طریق بسیار کم و ناچیز می‌شود. در چنین مواردی، محقق جز استفاده از «پرسشنامه» چاره‌ای ندارد. این همان هنگامی است که پاسخگویان ممکن است حاضر باشند در مورد مسائلی حساس مثل روابط جنسی، سقط جنین و یا برخی کجرویه‌های خود، تنها زمانی به سوآلها پاسخ گویند که در یک «پرسشنامه بی‌نام» مطرح شده باشد، حل مشکل «شرم حضور» فقط بدین صورت امکان پذیر می‌گردد.

همین جا باید متذکر شد که حفظ اصول اخلاقی در تحقیق نیز از جمله تعهدات محققان است. بخصوص محققانی که مطالعه موردی مشاهده‌ای می‌کند، باید قبلاً بطریقی برآورد کند که آیا افراد از اینکه مورد مطالعه قرار گیرند، راضی‌اند و انجام تحقیق بدون اطلاع و یا رضایت آنها، ضرر و زیانی را متوجه ایشان نمی‌سازد.

بعضی افراد تمایلی ندارند که در مورد رفتارشان در صحنه‌های مختلف اجتماعی، حتی به صورت «بی‌نام» اطلاعاتی جمع‌آوری شود. این گونه افراد ممکن است احساس کنند چون به اطلاعات جمع‌آوری شده دسترسی نخواهند داشت و یا در مورد چگونگی تجزیه و تحلیل و انتشار نتایج آن هیچ‌گونه دخالت و یا «حق و تویی» ندارند، راضی نیستند که محققین با آنها مثل

«موشهای آزمایشگاهی» رفتار کنند. بعضی دیگر نیز، احتمالاً از این که با انتشار نتایج تحقیق، هویت آنها و اعمالشان فاش شده و منافع فردی یا گروهی‌شان بطریقی بخطر افتد، نگران هستند. آیا تا کنون فکر کرده‌اید که چه بخشی از تحقیقات جامعه‌شناختی انجام شده، زندگی مردم محروم را مورد مطالعه قرار داده است؟ مردم محروم یعنی همان کسانی که نه قدرت جلوگیری از تحقیقات را دارند و نه توانایی کنترل تجزیه و تحلیل و یا ممانعت از انتشار نتایج آن را. آیادر چنین وضعیتی مسئولیت اخلاقی محقق بیشتر نمی‌شود؟ تا کنون، روش «مطالعه موردی» مشاهده‌ای غالباً تنها زندگی گروههای فقیر و یا کجروان بازداشت شده‌را (که فاقد قدرت هستند)، مورد مطالعه قرار داده است. شاید هیچ جامعه‌شناسی موفق نشده باشد، چنین مطالعه‌ای را در مورد شوراهای خصوصی سرمایه‌داران و یا جلسات داخلی هیأت دولت انجام دهد.

در این گونه موارد، محقق با محدودیتهای دیگری نیز مواجه است. اگر موضوع را به افراد مورد نظر اطلاع دهد، ممکن است یا به دلایل فوق‌الذکر موفق به جلب رضایت آنها برای انجام مطالعه نشود و یا چنانچه مجوز تحقیق را هم به دست آورد. صرف آگاهی افراد از وقوع این مطالعه، جوی تصنعی ایجاد کرده و رفتار طبیعی آنها را مختل نماید. اما اگر بدون اطلاع و رضایت افراد به تحقیق پردازد، مجبور است تا پایان مطالعه، چون جاسوسی، با هویت جعلی و دروغین خود بسربرد و مدام احساس ناراحتی وجدان داشته باشد. پس از انتشار نتایج تحقیق نیز، احتمالاً بر اثر شکایات افراد مطالعه شده، تحت پیگرد قرار گیرد و یا حداقل در برخورد با ایشان، مورد سلامت واقع شده و احساس شرمندگی نماید.

بنابراین، حفظ اسرار و خصوصیت‌های زندگی افراد مورد مطالعه، و محرمانه تلقی کردن هویت آنها (به خصوص در مورد کجروان، معتادان، بزهکاران و اسئالهم) از جمله تعهدات اخلاقی محققان و از اصول اولیه حفظ آیین پژوهشگری است.

محققان با تجربه خود می‌دانند که زدن هر نوع ضرر و زیانی به افراد مورد مطالعه و خیانت به اعتماد و صمیمیت آنها، اخلاقاً ناپسند است. علاوه بر موارد ذکر شده، فریب دادن افراد در مورد هدف تحقیق، پرسیدن سؤالاتی که افراد را شرمنده سازد یا موجب جریحه‌دار شدن احساسات آنها از طریق یادآوری خاطره‌ای قلیخی شود، یا باعث ایجاد احساس گناه در افراد گردد و یا به هر طریق به خصوصیت زندگی آنها تجاوز نماید، از جمله مواردی است که اصول اخلاقی تحقیق را زیر پا می‌گذارد. از طرفی، محقق در مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز ممکن است بطریق مختلف حقوق افراد مطالعه شده را مورد تعرض قرار دهد. تکیه محقق تنها بر جزئی از اطلاعات جمع شده و نادیده گرفتن ارتباط آن با سایر قسمت‌ها، طرح واقعیت‌های مشاهده‌و ثبت شده در خارج از محل اصلی خود، دستکاری در یافته‌ها و تحریف حقایق به طور عمدی یا سهوی ممکن است بنحوی موجب متضرر شدن افراد مورد مطالعه شود.

تذکر این نکته نیز ضروری است، تازمانی که در مملکت ما حفظ حقوق افراد مورد مطالعه، قانونی نشده است، محققان متعهد، موظف اند اصول اخلاقی نانوشته در مورد افراد را رعایت نمایند.

د- جامعه آماری، «پایایی»^{۴۶} و «روایی»^{۴۷} تحقیق

در «مطالعه موردی» مشاهده‌ای غالباً به نسبت روش «بررسی» از نمونه کوچکتری استفاده می‌شود. البته ممکن است، این نمونه از آنچه در «آزمایش» بکار می‌رود، بزرگتر باشد. باید یادآوری نمود که هرگاه «مطالعه موردی» کل افراد یک جامعه را دربرگیرد «اجتماع پژوهی»^{۴۸} نامیده می‌شود. در این گونه مطالعه نیز، محقق نوعاً برای مدتی نسبتاً طولانی در جامعه مذکور بسر می‌برد و شیوه زندگی افراد آن را می‌آموزد و با اصطلاح، خود را با آن «جامعه پذیر»^{۴۹} می‌نماید. چنانچه تعداد مشاهده‌گران مجرب، باندازه کافی زیاد باشد، البته نمونه مورد مطالعه در این روش نیز می‌تواند به صدها و بلکه هزارها نفر برسد. اما چون این گونه مطالعات، از عمق و تفصیل فوق‌العاده‌ای برخوردارند و مدت زمان زیادی طول می‌کشد و داده‌های بدست آمده از آن، عمدتاً «کیفی» است، بنابراین کمی کردن اطلاعات و مقایسه ویژگیهای آن با هم، کار بسیار دشوار و پرهزینه‌ای خواهد بود. پس افزودن بر تعداد مشاهده‌گران، علی‌رغم اطلاعات وسیعتری که بدست خواهد داد، از «پایایی» تحقیق کاسته و هزینه‌گزافی را نیز تحمیل خواهد کرد.

«پایایی» را می‌توان در مورد: «مشاهده‌گر»، «ابزار مشاهده (اندازه‌گیری)» و «نتایج» یک مطالعه مطرح نمود. مشاهده‌گر «پایا» کسی است که بتوان به قول او اعتماد کرد. بدین معنی که آدم دمدسی مزاجی نباشد و حرفش با اصطلاح حرف باشد. به همین ترتیب «ابزاری» پایایی دارد که اندازه‌گیری‌های مشابه و یکسانی را در زمانهای مختلف ارائه دهد. اما منظور از پایایی نتیجه مطالعات، همسانی نتایج حاصله از اندازه‌گیری در دفعات متعدد است. اصولاً در هر نوع مشاهده‌ای مقداری «خطا» وجود دارد. یعنی همیشه معادله زیرین داده‌های مشاهده شده و داده‌های واقعی وجود دارد.

داده‌های مشاهده شده = داده‌های حقیقی + خطا

و پایانی وقتی وجود دارد که مقدار «خطا» در معادله فوق ناچیز و تقریباً ثابت باشد. پس اگر این مقدار در دفعات مختلف مشاهده یا در مشاهده‌های مشاهده‌گران مختلف از یک رویداد واحد نوسان داشته باشد، نشانه عدم پایایی مشاهدات و مقیاس‌های اندازه‌گیری است.

آشکار است که در چنین موردی، کار مشاهده‌گران مجرب از «پایایی» بیشتری برخوردار

این نکته، البته قابل ذکر است که چون «مطالعه موردی» مشاهده‌ای (به نسبت - «بررسی» و «آزمایش»)، اغلب کاری «فردی» است و غالباً تنها یک مشاهده‌گر، «مورد» یا «گروهی» را مطالعه می‌نماید، بنابراین چندان امکانی برای انجام «مقایسه» (که از ضروریات سنجش پایایی است) وجود ندارد. بعلاوه چنین روشی تکیه بیشتری بر «دریافته‌های کیفی» مشاهده‌گر دارد و همین امر نیز مغایر نیاز ارزیابی پایایی به «اطلاعات کمی» است. پس نباید تعجب کرد، که در اغلب «مطالعات موردی مشاهده‌ای»، بحثی از موضوع «پایایی» مقیاسها و داده‌ها به میان نیامده است.

البته، پایایی ضعیف (عدم توافق بین مشاهده‌گران) مانع «روایی» نیز می‌شود. یعنی اگر چند مشاهده‌گر حتی بر سر آنچه دیده‌اند، توافق نکنند، نخواهیم توانست مفهوم مشاهدات آنها را دقیقاً ارزیابی کنیم.

مقیاسی دارای «روایی» است که همان عناصری را که مد نظر محقق بوده، اندازه‌گیری نموده باشد. در این جا از انواع مختلف روایی، تنها به توضیح «روایی صوری»^{۱۰} و «روایی خارجی»^{۱۱} که به‌اسر «مطالعه موردی» مشاهده‌ای بیشتر مربوط می‌شوند، می‌پردازیم. «روایی صوری» وقتی وجود دارد که مقیاسی بظاهر معتبر (روا) باشد. «مطالعه موردی» مشاهده‌ای غالباً دارای روایی است، چون مشاهده‌گر دنبال مطالعه و ثبت عناصری است که قابل مشاهده باشد. یعنی مطالعه‌کننده در جستجوی الگوهای منظم قابل مشاهده و شرح و توصیف آنهاست. آشکار است که چنین عملی، «روایی صوری» تقریباً کاملی دارد. البته اگر در «مطالعه موردی»، مشاهده از نوع همراه با مشارکت کامل باشد، از آنجایی که افراد مطالعه شونده از حضور مشاهده‌گر اطلاعی ندارند و فعل و انفعالات در محیطی طبیعی صورت می‌گیرد، اختلالی در کنشهای متقابل افراد روی نخواهد داد و چنین مطالعه‌ای از روایی نسبتاً کاملی برخوردار خواهد بود. بنابراین در این روش، جایی که «مورد» از موضوع مطالعه مطلع باشد (همانند مطالعات پرسش‌نامه‌ای) روایی تحقیق بطور کلی به‌مخاطره خواهد افتاد.

تحقیق زمانی «روایی خارجی» دارد که نتایج آن به جمعیتها و مکانهای واقعی، غیر از محل و جمعیت نمونه مورد مطالعه، قابل تعمیم باشد. معمولاً در روش «بررسی» محقق نمونه‌ای را انتخاب نموده و سعی می‌کند نتایج به‌دست آمده از مطالعه این نمونه را بر سایر مردم نیز تعمیم دهد. حتی کسانی که روش «آزمایش» را بکار می‌برند، در پی آنند که اسری را به‌عده‌ای فراتر از افراد داخل آزمایشگاه تعمیم دهند.

اما کسی که «مطالعه موردی» را انتخاب کرده، چگونگی گذران زندگی، احساس و کار فرد یا جمع خاصی را در جایگاههای معینی به تفصیل ثبت می‌نماید. یعنی بجای نمونه‌برداری از جمعیتی بزرگتر، فرد یا گروه معینی (نظیر پناهندگان کرد عراقی در یک اردوگاه، کارگران خط

مونتاژ یک کارخانه یا یک پاسگاه پلیس و...) را برای مطالعه انتخاب می‌نمایند. در واقع محقق که روش «بررسی» یا «آزمایش» را برگزیده، در جستجوی «تعمیم پذیری»^۲ است. و آن کس که «مطالعه موردی» مشاهده‌ای را انتخاب کرده است به دنبال «تخصیص پذیری»^۳ است. البته تخصیص پذیری، لزوماً مانعی در راه تعمیم نتایج ایجاد نمی‌کند. مشاهده‌گری که «مطالعه موردی» را برگزیده، ادعا نمی‌کند که فرد یا گروه مورد مطالعه او نماینده جمعیت‌های عظیمتر و نتایج حاصله از مشاهدات وی قابل تعمیم به چنان جمعیت‌هایی است. بلکه بجای آن با بیان اینکه، «واحدی» که او مشاهده کرده، رفتاری داشته که هر کس دیگر هم جای او بود (یعنی در چنان وضعیتی قرار می‌گرفت) همان‌طور رفتار می‌کرد، به نوعی، نتایج مطالعه خود را تعمیم داده است. بدین معنی که محقق در این جا، توضیح می‌دهد که هر شخصی در چنان شرایطی چگونه رفتار خواهد کرد، بدون اینکه چنین رفتاری را به همه افراد یا (حتی) بیشتر مردم نسبت دهد.

در این نوع تحقیق، به‌خلاف «بررسی»، محقق بندرت از «درصد» افرادی که پاسخ معینی را می‌دهند بحث می‌کند. اما می‌گوید، آنچه در مورد افراد مورد مطالعه دریافته است در مورد هر کسان دیگری نیز که بجای آن افراد قرار گیرند، صادق است. یعنی در واقع، مثل محقق که «آزمایشی» را انجام داده، مدعی است که نیروهای محیطی یا محدودیتهای وضعیتی مطالعه شده، تقریباً به‌طور مشابه بر اغلب افراد اثر می‌گذارند. در خاتمه، باید گفت در «مطالعه موردی» مشاهده‌ای، محقق ممکن است از تعداد محدود «موارد» به تعمیم به معنای اصلی آن نرسد، اما غالباً عمق بینش حاصله از چنین مطالعاتی فرضیه‌های مفیدی را جهت اجرای پژوهشهای جامع‌تر بعدی تأمین می‌کند.

البته، همان‌گونه که در ابتدای مقاله متذکر شدیم، در این جا تاکید تنها بر نوع مشاهده‌ای «مطالعه موردی» بوده است والا طبیعی است که محقق مجربی که از چنین روشی استفاده می‌کند، برای دستیابی به داده‌های جامع و کامل و برای پر کردن زوایایی که احیاناً از دید مشاهده دور می‌ماند، از سایر تکنیکها (نظیر مصاحبه، پرسشنامه، مطالعه بیوگرافیها، اسناد، گزارشهای موردی منقول از دیگران، نامه‌ها، خاطرات و امثال آن) نیز استفاده نماید. تردیدی نیست جذب چنان اطلاعات وسیع و مفصلی در مورد مناسبات اجتماعی و کنشهای متقابل انسانی در صحنه‌های مختلف اجتماعی، هم به تجربه و کارآزمودگی و بینش دقیق نیازمند است و هم خود، تجارب عمیقتری را (که می‌توان از آن در تحلیل و تفسیر داده‌ها و حتی تحقیقات بعدی استفاده نمود) برای تحقیق به‌ارمغان می‌آورد.

از سوی دیگر، باید متوجه بود که «مطالعه موردی» طبیعتاً، تحقیقی پرهزینه و وقت‌گیر است. هر «موردی» برای خود تبدیل به یک پژوهش عمیق و مفصل می‌شود. ماهها طول می‌کشد

تا «سوارد» متعدد، در حد کفایت واری شده و اسناد مربوطه آن ثبت گردد. داده‌ها، غالباً حالت استاندارد و یکدستی ندارد و به همین دلیل محقق، مجبور است نظام ثبت مشاهدات، نگهداری اسناد و تکنیک‌هایی جهت یکدست کردن مشاهدات را نیز، تدوین نموده و توسعه دهد.

مراحل مختلف «مطالعه موردی» مشاهده‌ای

یک «مطالعه موردی» مشاهده‌ای، در شرایط ایده‌آل شامل مراحل مختلف زیر می‌باشد:

- ۱- تعیین موضوع و تصمیم‌گیری در مورد اهداف مطالعه.
- ۲- انتخاب فرد یا گروهی (واحدی) که باید مورد مطالعه قرارگیرد.
- ۳- اقدام برای پذیرفته شدن به داخل گروه.
- ۴- ایجاد آشنایی و صمیمیت با اعضای گروه.
- ۵- انجام مطالعه بوسیله مشاهده صحنه‌ها، رفتارها و رویدادها.
- ۶- ثبت منظم و دقیق (روزانه، هفتگی و یا ماهیانه) یادداشتها.
- ۷- تجزیه و تحلیل داده‌ها و اعلام نتایج.

نگارنده بر خود لازم می‌داند از دانشجویان محترم خانمها بهجت السادات شهرتاش که سؤال ایشان انگیزه اصلی نگارش این مقاله تحقیقی شد و طیبه میرزا اسکندری برای بازخوانی نسخه اصلی آن تشکر و سپاسگزاری کند.

یادداشتها :

- | | |
|---|--------------------|
| 1 - Case study | 2 - Survey |
| 3 - Gang | 4 - Experiment |
| 5 - Social process | 6 - Field Research |
| 7 - Participant observation | |
| 8 - Willam F. Whyte, Street Corner Society, 2nd ed. (Chicago: University of Chicago Press, 1955). | |
| 9 - Erving Goffman, Asylums. Essays on the social Situation of Mental Patients and other Inmates (New York : Doubleday and Co. Inc., 1961.) | |

- 10 - Elliot Liebow, Tally's Corner. A study of Negro Streetcorner Men. (Boston : Little, Brown and company, 1967)
- 11 - Generalization 12 - Sample Survey
- 13 - Rigid Hypothesis
- 14 - William J. Goode and Paul K. Hall, Methods in Social Research. (New York : Mc Graw - Hill Book Co., Inc. 1952). pp. 331 - 340
- 15 - Cross - Tabulation 16 - Correlations
- 17 - The wholeness 18 - Topologies
- 19 - Process 20 - Nonverbal behavior
- 21 - Robert G. Burgess, In the Field :An introduction to Field Research. (London; George Allen and Unwin, 1984).
- 22 - Robert G. Burgess (ed), Field Research: A source book and Field Manual. (London: George Allen and unwin, 1982)
- 23 - R. F. Ellen, Ethnographic Research; A Guide to General Conduct, (London: Academic Press, 1984)
- 24 - Robert M. Emerson (ed.), Contemporary Field Research: A Collection of Readings. (Boston: Little, Brown., 1983)
- 25 - Martyn Hammesley and Paul Alkinson, Ethnography : Principles in Practice . (London : Tavistock Publications, 1983)
- 26 - John Lofland and Lyn H. Lofland, Analyzing Social Settings. 2nd ed. (Belmont, Cal : Wadsworth, 1984)
- 27 - Eugene J. Webb, et al. Nonreactive Measures in the Social Sciences. 2nd ed. (Boston : Houghton Mifflin, 1981)
- 28 - William F. Whyte, Learning From the Field : A Guide From Experience. (Beverly Hills, Cal. : Sage. 1984)
- 29 - Outsider 30 - Purely observer
- 31 - Anonymous 32 - Natural Settings
- 33 - Objectivity 34 - Qualitative
- 35 - Quantitative 36 - Gaining Entry
- 37 - Natural Environment 38 - Biased

- | | |
|------------------------|-----------------------------|
| 39 - Errors | 40 - Longitudinal Analysis |
| 41 - Quantification | 41 - Frequencies |
| 43 - Percentages | 44 - Open - ended Questions |
| 45 - Anonymity | 46 - Reliability |
| 47 - Validity | 48 - Community Study |
| 49 - Socialize | 50 - Face - Validity |
| 51 - External Validity | 52 - Generalizability |
| 53 - Specificity | |



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی